

بررسی برخی از مؤلفه‌های پیچیدگی نحوی در پاره‌ای از ادبیات منثور کودک و نوجوان*

آزاده یزدانی^۱

کارشناس ارشد دانشگاه شیراز

دکتر مهرزاد منصوری

دانشیار دانشگاه شیراز

دکتر جلال رحیمیان

استاد دانشگاه شیراز

چکیده:

تحلیل زبان‌شناسانه ادبیات کودک به بررسی زبان‌شناختی تعدادی از آثار ادبی کودک و نوجوان می‌پردازد. پژوهش حاضر نیز می‌کوشد با تحلیل زبانی پیکره‌هایی متناسب با گروه‌های مختلف سنی پیچیدگی‌های نحوی ادبیات هرگروه را معرفی نماید. در هریک از پیکره‌های مورد بحث بعضی از پیچیدگی‌های نحوی مانند تعداد واژه در جملات ساده هرگروه سنی، نسبت جملات ساده به مرکب، زمان‌افعال به کاررفته، میزان حضور کنش‌گر و کنش‌پذیر در جملات مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش سن کودک، تعداد واژه‌های به کار گرفته شده در جملات ساده نیز بیشتر خواهد شد در حالی که نسبت جملات ساده به مرکب با افزایش سن روبه کاهش است. از نظر میزان حضور کنش‌گر و کنش‌پذیر، جملات به ده دسته تقسیم شده است. این بررسی نشان می‌دهد که بین کاربرد جملات اسنادی، مجهول، عاطفی، جملاتی با حذف کنش‌گر و کنش‌پذیر به قرینه لفظی، پرسشی در حد کلمه، دارای کنش‌گر با حفظ نمود آوایی و کنش‌پذیر، جملات دارای کنش‌گر و کنش‌پذیر بدون حفظ نمود آوایی کنش‌گر، تفاوت معناداری وجود دارد اما بین جملاتی با فعل‌های غیرشخصی و جملاتی دارای کنش‌گر و فاقد کنش‌پذیر با حفظ نمود آوایی کنش‌گر تفاوت معناداری بین گروه‌های سنی وجود ندارد. واژگان کلیدی: پیچیدگی نحوی، نقش موضوعی، ادبیات منثور کودک و نوجوان، ادبیات و زبان‌شناسی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۲/۷

۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: Yazdaniazadeh@gmail.com

مقدمه

به دلیل اهمیت موضوع ادبیات کودک و نوجوان، پژوهش‌های متنوعی در این حوزه در چارچوب رویکردهای مختلف از جمله تصویرگری، روانشناسی کودک، نقد آثار ادبی و ... در دنیا و همچنین کشور ما صورت گرفته است. این در حالی است که بررسی زبان‌شناختی متون ادبی کودک با جزئیات ویژه، تا آنجا که نگارنده تحقیق کرده‌است، پیشینه گسترده‌ای ندارد و به چندین مقاله در ایران و سایر کشورها محدود است. با این حال درحیطه کودک و نوجوان کارهای متنوع و گسترده‌ای صورت گرفته‌است که عمده‌ترین آنها مبتنی بر نقد یا بررسی نقش تصویر در کتاب‌ها روی درک کودکان، بررسی‌های زبان‌شناختی شعر کودک و یا نقش ادبیات کودک در آموزش و گسترش زبان مادری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. به همین دلیل پیشینه تحقیق در این مجموعه به همین حوزه‌ها محدود خواهد بود. با این حال، وجود رشته‌های دانشگاهی مجزایی مثل روانشناسی کودک و نوجوان، روانشناسی تربیتی، ... و وجود مجله‌های متفاوت در مورد کودک و نوجوان دال بر میزان اهمیت موضوع است. در کشور ما هر ساله کتاب‌های متنوعی، برای استفاده کودکان و نوجوانان به چاپ می‌رسد. نکته حائز اهمیت در این آثار این است که به چه میزان به متون نوشته شده در این کتاب‌ها متناسب با سن فرد و توانایی کلامی وی توجه می‌شود تا درک و فهم آن توسط کودک یا نوجوان راحت‌تر شود.

واژگان کودک با رشد او غنی‌تر شده و گام به گام با ساختار نحوی پیچیده‌تری از زبان مادری خود آشنا می‌شود. این امر بعد از ورود او به مدرسه و کسب مهارت خواندن و نوشتن تجلی بیشتری خواهد یافت. به همین نسبت، باید ادبیات کودک و نوجوان متناسب با میزان آشنایی او با ساختار زبان مادری‌اش باشد. کلمات و ساختار جمله باید با فهم کودک مطابقت داشته باشد زیرا وجود ساختارهای پیچیده برقراری ارتباط فکری مخاطب با اثر ادبی منتشر شده را با مشکل مواجه خواهد کرد. کانون پرورش فکری کودک و نوجوان یکی از مؤسسات فعال در حوزه کودک و نوجوان

است که کتاب‌های متنوعی را به نظم یا به نثر در زمینه‌های گوناگون نظیر داستان و سرگرمی، مذهبی، علمی، ادبی و تاریخی به چاپ می‌رساند و گروه سنی مخاطب را روی کتاب درج می‌کند.

پژوهش حاضر در نظر دارد به بررسی تعدادی از کتاب‌های این مؤسسه پردازد که به نثر هستند و بیشتر زمینه داستانی دارند. این پژوهش سعی دارد ضمن نشان دادن تفاوت پیچیدگی در آثار مربوط به گروه‌های سنی، لزوم توجه به ملاک‌ها و معیارهای پیچیدگی نحوی در تهیه آثار ادبی کودک و نوجوان را خاطر نشان سازد. بدیهی است که استفاده از آثار این مؤسسه آن هم در دوره‌هایی خاص به منزله تأیید چنین تقسیم‌بندی نیست.

پیچیدگی‌ها را می‌توان به سه دسته صرفی، نحوی و معنایی تقسیم‌بندی کرد و به بررسی مؤلفه‌های پیچیدگی در هر محدوده پرداخت. در پیچیدگی صرفی، ابهاماتی در صرف کلمات به کار رفته در متن دیده می‌شود. به عنوان نمونه می‌توان به کاربرد بیشتر علامت جمع عربی «ین» و «ون» به جای علامت جمع فارسی «ها» و «ان» برای جمع بستن کلمات در کتاب‌های سنین پیش از دبستان اشاره کرد. گاهی با جملاتی روبه‌رو می‌شویم که دارای ابهام ساختاریند. اینگونه جملات پیچیدگی نحوی بیشتری دارند و گاهی حتی مفهوم آنها به درستی مشخص نمی‌شود. مانند «برادرزاده‌های دختر و پسر به جنگل رفتند.» عاملی که به عنوان مثال می‌تواند در پیچیدگی معنایی جملات نقش داشته باشد میزان استفاده بیشتر از اسم معنی است تا اسم ذات. وجود کلمات هم‌نویسه در جملات می‌تواند باعث پیچیدگی معنایی شود. مثل «نیما دیشب سیر خورد.» از جمله پیچیدگی‌های معنایی که می‌توان به آن اشاره کرد میزان کاربرد اصطلاحات است. در یک جمله ممکن است از ترکیب کلماتی استفاده شود که عملاً مفهومی نداشته باشند اما اگر به صورت یک کل در نظر گرفته شوند نشان‌دهنده اصطلاحی هستند که به معنای خاصی اشاره می‌کنند. میزان استفاده از اصطلاحات ناآشنا در متون تدوین شده آنها را

پیچیده‌تر خواهد کرد و زمان پردازش آنها در ذهن بالاتر خواهد رفت. موارد ذکر شده همه می‌تواند به عنوان عواملی باشد که یک متن را با پیچیدگی همراه کند. مؤلفه‌های پیچیدگی نحوی وسیع‌تر از مواردی است که بتوان در این گذر به بررسی آنها پرداخت و بر اساس آنها بتوان پیچیدگی آثار ادبی کودک و نوجوان را محک زد. در این پژوهش در هر گروه سنی^۱ پیکره‌ای مشتمل بر ده هزار واژه (مجموعاً پنجاه هزار واژه) انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌است. دلیل انتخاب کتاب‌های این مؤسسه بیشتر به دلیل در دسترس بودن مجموعه‌ای از آثار می‌باشد که کم و بیش یکنواخت بوده و در همه گروه‌های سنی موجود باشند. در تجزیه و تحلیل داده‌ها مجموعه آثار یک گروه سنی در یک مؤلفه با آثار گروه سنی دیگر در همان مؤلفه به صورت آماری مقایسه شده‌است تا تفاوت آثار در گروه‌های سنی در یک مؤلفه خاص مورد ارزیابی قرار گیرد. مؤلفه‌های در نظر گرفته شده به عنوان پیچیدگی نحوی شامل چهار مؤلفه هستند که عبارتند از: تعداد واژه‌ها در یک جمله ساده، نسبت تعداد جمله ساده به مرکب در ادبیات منثور، میزان حضور کنش‌گر و کنش‌پذیر و کاربرد زمان افعال. علاوه بر این به منظور بررسی میزان یکنواختی منابع مورد استفاده در هر گروه، میزان کاربرد هر مؤلفه مقایسه خواهد شد.

۱- پیشینه تحقیق

کرینت و شانکویلرت (Crain & Shankweilert) (بی‌تا) به موضوع پیچیدگی‌های نحوی در ارتباط با مشکلات خواندن در کودکان پرداخته و گفته‌اند که زبان از بخش‌های کوچک و مستقل یا اصطلاحاً ماژول‌هایی تشکیل شده‌است که همکاری این قسمت‌های مستقل توانایی نحوی کودکان را تشکیل می‌دهد و آنها را در امر خواندن کتاب‌های ادبی کمک می‌کند.

اُذِنل (C. O'Donnell Roy) و همکاران (۱۹۶۷) تحقیقات و تجزیه تحلیل‌هایی را بر روی توانایی نحوی گفتاری و نوشتاری بچه‌های کودکستانی و سال‌های دبستان

انجام داده‌اند. آنها هدف از تحقیقاتشان را پیدا کردن راهی برای دستیابی به توانایی‌های نحوی، بیان کرده‌اند و برای سنجش این توانایی از ۶ معیار استفاده کرده‌اند که عبارتند از: به هم ریخته‌ها^۲، طول پاسخ‌های کامل زبانی، طول کوچکترین واحدهای نحوی خاتمه‌پذیر (اصطلاحاً T-unit ها)^۳، تعداد جمله‌های ترکیبی در یک T-unit، انواع راه‌های مختلف ترکیب جملات و الگوهای ساختاری بندهای اصلی. آنها از طریق تجزیه و تحلیل آماری بر روی گفتار و نوشتار نمونه‌هایی از دختران و پسران، از مقطع کودکستان و سال‌های اول، دوم، سوم، پنجم و هفتم مدرسه به این هدف دست یافتند.

ورتالیه (Vertalier Martine) و همکارانش (۲۰۰۹) در مرکز تحقیقات زبانی دانشگاه پاریس ۳ یا همان سوربن در فرانسه تحقیقات قابل توجهی را روی متون کتاب‌های کودک انجام داده‌اند و به بررسی مشکلات زبانی آنها پرداخته‌اند. وی تحقیقاتش را از سال ۱۹۸۰ شروع کرده و به مدت ۳۰ سال با سرپرستی گروهی از محققان با استفاده از مبانی تئوری به تحقیقات عملی پرداخته‌است. مخاطبین کتاب‌هایی که آنها به بررسی‌شان پرداخته‌اند کودکانی بودند که هنوز قادر به خواندن نبوده و در حال یادگیری و تسلط به زبان مادری خود بودند. از اولین نتایجی که وی به آنها اشاره کرده نقش مؤثر نحو در توسعه و گسترش توانمندی‌های زبانی است که علاوه بر کارکرد صحیح اندام‌های گفتاری در کنار واژگان و توانمندی‌های صرفی نقش بسزایی در رشد زبانی کودک دارد. دومین موردی که او بدان اشاره می‌کند گسترش توانایی‌های زبانی کودک توسط نقش زبانی فردی است که او را مورد خطاب قرار می‌دهد. او در تحقیقات خود با مشکلاتی روبه‌رو بود نظیر اینکه کودکان فرانسوی زبان، مخاطبی را که به شکل نام یک شخص در پایان یک نقل قول مستقیم می‌آید، به عنوان گوینده در نظر می‌گرفتند و یا اینکه با اشاره به مخاطب در داستان، کودک نمی‌توانست گوینده را به راحتی شناسایی کند. در نهایت آنها این مشکلات را با استناد به مبانی نظری مطرح شده توسط بنونیست (E. Benveniste, ۱۹۶۶) که بین گفتمان و داستان تمایز قائل می‌شود توجیه می‌کنند. بنونیست معتقد است گفتمان به علت اینکه شکل و روش

طبیعی زبان است و تعریفی بسیار گسترده دارد خیلی خالص نیست اما داستان یک روش خاصی است که بوسیله محدودیت‌ها و شرایط خاص تعریف می‌شود. از طرفی باید به استفاده از گفتمان تحت شرایط مختلف و تفاوت بین گفتار و نوشتار با این که از یک نظام نحوی برانگیخته می‌شوند، نیز توجه داشت. آنها با این تحلیل‌ها توانستند ترکیب‌هایی را که با فهم کودک در کتاب‌ها سازگاری نداشتند، شناسایی کنند و طرحی برای آن ارائه دهند. آنها به ترتیب با افزایش گروه‌های سنی، جمله ساده، سپس چندین جمله ساده در کنار هم، را که ممکن است با حروف ربط به هم مرتبط شده باشند، وارد کردند و بعد کم‌کم با توجه به معنی داستان تعریف شده، مطرح کردند که می‌توان با احتیاط ساختارهای پیچیده‌ای را وارد کرد که در برگیرنده روابط منطقی باشند، مثل استفاده از کلماتی برای بیان علت، روابط زمانی، بیان هدف و مثلاً می‌توان در ابتدا فقط یک ساختار پیچیده در جمله وارد کرد و بعد ساختارهای بیشتر به شکل جمله‌های کنار هم یا درونه شده در یکدیگر را به متن وارد کرد. آنها براساس نظریه‌تئین (L.Lentine, 1971) متمم‌ها، مصدرها، اسم مفعول، جدا افتادن صفت از اسم وارد کردن جملات پیرو توسط «که»، جابجاشدن فعل و فاعل برای ساختن سؤال و ... را از جمله عواملی معرفی کردند که فهم کودک فرانسوی زبان ۳ تا ۷ سال را با مشکل مواجه می‌کند.

احمدی‌پور (۱۳۹۰) به آرایش سازه‌های اصلی در گونه نوشتاری ادبیات کودکان و زبان فارسی پرداخته است وی برای بررسی این مطلب، ابتدا جملات ساده اخباری و جمله‌های مرکب با ساخت موصولی و متممی بر مبنای جمع‌آوری داده‌ها و از دیدگاه رده‌شناسی زبان، در گونه مذکور را بازبینی کرده؛ او سعی داشته است با جمع‌آوری ۱۵۵۶ جمله ساده و ۱۵۰۰ جمله مرکب از ۱۹ کتاب کودکان و بررسی دقیق آنها به کشف، توصیف، تعمیم و رده‌بندی الگوهای غالب جملات در مقابل آرایش‌های فرعی ممکن بر پایه ملاحظات نظری و تجربی برسد. او در نهایت به این نتیجه می‌رسد که

زبان فارسی، دست‌کم در گونه‌ی مورد بررسی، زبانی است که در مقابل تغییر در آرایش اصلی سازه، انعطاف‌پذیر است اما این قابلیت انعطاف همیشه امکان‌پذیر نیست. شیخ‌سنگ‌تجن (۱۳۹۱) به بررسی الگوهای زبانی در شعرهای کودکانه پرداخته‌است. وی با بیان اینکه خواندن اشعار آهنگین سبب ایجاد احساس شعف یا لذت در کودکان می‌شود، معتقد است این اشعار گرچه با اشعار بزرگسالان متفاوت بوده و در برخی موارد فاقد معنا هستند، اما از الگوهای مشابهی پیروی می‌کنند. او در پژوهش خود به بررسی الگوهای زبانی تکرار، همگونی هجاهای آغازین و ساخت موازی در این اشعار پرداخته‌است و اظهار داشته تکرار در سطوح مختلف زبانی، آوا، بیان و معنا قابل بررسی است. وی به این نتیجه رسیده است که در برخی موارد نیز تکرار یک واژه، سبب تشدید معنایی در این گونه اشعار است. ساخت موازی را نیز نوعی تکرار دانسته است که در آن عنصر تکرارشونده کاملاً مشهود نیست. از اینرو وی ساخت‌های موازی را هم بر اساس نقش دستوری خود واژه‌ها و هم بر اساس معنا مقایسه می‌کند. او در ادامه بیان می‌کند در پرورش شمّ ادبی کودکان تکرار اصل اساسی است. آنچه تخیل کودک را به خود جلب می‌کند، غیرعادی بودن معنا یا توهم معنایی و صورت زبانی در سطح آوا و بیان است. درک کودک از شعر، تنها محدود به دریافت با لذت است که می‌توان آن را امری درونی دانست. اما با رشد کودک و ورود او به مدرسه درک به مرحله ارزیابی می‌رسد. در این مرحله نوجوان قادر است به مقایسه و تفسیر اشعار بپردازد که دیگر امری درونی نیست و درک از درونگرایی به برونگرایی می‌رسد.

شریفی و حامدی شیروان (۱۳۸۹) به بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان در قالب زبان‌شناسی شناختی پرداخته‌اند و بیان کرده‌اند از بین استعاره‌های هستی‌شناسانه شخصیت بخشی به حیوانات و خوراکی‌ها و اشیاء در گروه سنی (الف) و (ب) دیده می‌شود و در داستان‌های مربوط به نوجوانان کاربرد اصطلاحات و ضرب

المثل‌ها که جزء استعاره‌های هستی‌شناسانه‌اند و همچنین استعاره‌های مفهومی و ساختاری بیشتر به چشم می‌خورد.

بدیهی است بیشتر کارهای صورت گرفته در ارتباط با محک زدن توانایی نحوی گفتاری یا نوشتاری کودکان است که به شیوه‌های مختلف انجام می‌شود در دسته‌ای دیگر از پژوهش‌ها نیز به بررسی یک ویژگی زبانی خاص مانند آرایش سازه‌های اصلی یا بررسی استعاره و ... در آثار کودک و نوجوان اکتفا شده‌است. تنها در یکی دو مورد از این پژوهش‌ها سعی شده‌است که به ترکیبات زبانی نوشته‌های گروه‌های سنی مختلف پرداخته شود. در پژوهش‌های بررسی شده به طیف گروه سنی توجه ویژه‌ای نشده و عمده توجه به گروه‌های سنی پایین‌تر بوده‌است. در پژوهش حاضر سعی شده‌است با توجه خاص به ۵ گروه سنی و معرفی بعضی از عناصر پیچیدگی در زبان فارسی به بررسی آنها در پیکره‌های زبانی مورد استفاده کودکان پرداخته شود.

۲- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۲-۱- بررسی تعداد واژه‌ها در یک جمله ساده در هر گروه سنی و مقایسه آنها
به نظر می‌رسد کاربرد جملاتی کوتاه و ساخته شده با کلماتی که از نظر انتقال مفهوم در زبان ساده‌تر باشند برای گروه‌های سنی پایین‌تر مناسب باشند. در این قسمت تعداد واژه‌های موجود در یک جمله ساده زبان فارسی شامل افعال، اسامی، صفت‌ها و حتی حروف ربط و اضافه به عنوان یک واژه در نظر گرفته شده و شمرده شده‌است. در این شمارش افعال مرکب و یا اصطلاحی و اسامی مرکبی که در قسمت‌های دیگر به آن پرداخته شده به عنوان یک واژه در نظر گرفته شده‌است. همچنین افعال کمکی مانند «خواه، بود، شد یا داشت» که به صرف فعل‌ها کمک می‌کنند، همراه فعل به عنوان یک واژه در نظر گرفته شده‌اند. جملات بررسی شده، یا جملاتی ساده هستند که ممکن است جملات ساده تعجبی، خبری، پرسشی باشند یا ممکن است قسمتی از یک جمله همپایه یا ناهمپایه باشند که به تنهایی و خارج از

چارچوب جملات همپایه یا ناهمپایه‌ای که در آن محصور شده‌اند در زبان فارسی کاربرد داشته‌باشند. بعد از شمردن تعداد واژه‌ها، طول بزرگ‌ترین جمله مشخص و برای بقیه جملات میانگین تعداد واژه‌ها، محاسبه شد. بدین طریق میانگین تعداد واژه موجود در جمله ساده هر کتاب به شکل زیر است:

گروه‌های سنی	الف	ب	ج	د	ه
میانگین تعداد واژه در بزرگ‌ترین جمله	۱۳/۱۱	۱۳/۳۱	۱۴/۲	۱۶/۴	۲۳/۷۵

جدول ۱: مقایسه طول بزرگ‌ترین جملات در هر گروه سنی

گروه‌های سنی	الف	ب	ج	د	ه
میانگین میانگین تعداد واژه در جمله	۳/۸۲	۴/۳۲	۵/۰۹	۵/۳۶	۵/۷۲

جدول ۲: مقایسه میانگین طول جملات در هر گروه سنی

همانطور که نتایج شمارش و محاسبات نشان می‌دهند با افزایش گروه سنی میانگین تعداد واژه در جملات افزایش می‌یابد.

در خصوص بررسی میزان یکنواختی آثار مورد بررسی در هریک از گروه‌های سنی همانطور که جدول (۳) نشان می‌دهد در گروه سنی (الف) طول بزرگ‌ترین جمله از ۹ تا ۲۰ واژه متغیر است که طول بزرگ‌ترین جمله در این گروه سنی تقریباً معادل ۱۳/۱۱ واژه است. وجود کتابی مانند «قرمزی» (جدول ۳) در این گروه نشان می‌دهد که با داشتن این تعداد واژه از لحاظ طول جمله، ظاهراً مناسب این گروه سنی نیست و شاید بهتر باشد از این لحاظ کتاب مذکور را در گروه سنی (ب) طبقه‌بندی کرد. تحلیل آماری نیز نشان می‌دهد که با ضریب احتمال $P > 0.05$ تفاوت معناداری بین میانگین تعداد کلمات جملات ساده در کتاب‌های این رده سنی وجود دارد. در گروه

سنّی (ب) طول بزرگ‌ترین جملات بین ۱۰ تا ۱۷ واژه متغیّر بوده و طبق بررسی آماری طول بزرگ‌ترین جمله در این گروه تقریباً معادل ۱۳/۳۱ واژه است. با توجه به مقدار میانگین و انحراف معیار به دست آمده میانگین تعداد واژه در جمله برای این گروه سنّی در طیف قابل قبولی قرار دارد. در گروه سنّی (ج) طول بزرگ‌ترین جمله بین ۱۱ تا ۲۴ واژه متغیّر است و به طور متوسط طول بزرگ‌ترین جملات در این گروه سنّی معادل ۱۴/۲ است. در کتابی مانند «دنیای رنگین کمان» (جدول ۳) یک نوع عدم یکنواختی و ناهمگونی دیده می‌شود زیرا بر خلاف کتاب‌های مناسب این سن، در صفحه نخست از جملات طولانی که مناسب سنین بالاتر از گروه (ج) است، برای توضیح اصل مطلب استفاده می‌کند و در صفحات بعد مانند گروه سنّی (الف) از تصویر و جملات کوتاه استفاده شده است. نکته دیگری که لازم است به آن اشاره شود این است که در این گروه سنّی طول میانگین جملات نسبت به گروه سنّی (ب) به اندازه ۰/۷۷ و نسبت به گروه (الف) ۱/۲۷ واژه افزایش یافته است. در گروه سنّی (د) طول بزرگ‌ترین جمله بین ۱۲ تا ۲۱ واژه متغیّر است و به عبارتی طول بزرگ‌ترین جمله برای این گروه سنّی معادل ۱۶/۴ و میزان انحراف معیار ۴/۳۴ خواهد بود. طول بزرگ‌ترین جملات در این گروه سنّی از پراکندگی یکنواخت‌تری برخوردار است و ظاهراً تمامی کتاب‌های بررسی شده از نظر طول جمله مناسب این گروه سنّی است. در گروه سنّی (ه) تعداد واژه در بزرگ‌ترین جملات بین ۱۸ تا ۳۰ واژه متغیّر است و میانگین طول بزرگ‌ترین جمله برای این گروه سنّی معادل با ۲۳/۷۵ واژه است. میانگین طول جملات در این گروه سنّی نسبت به گروه (د) به اندازه ۰/۳۶ واژه، نسبت به (ج) به اندازه ۰/۶۳ واژه، نسبت به گروه (ب) به اندازه ۱/۴ واژه و نسبت به (الف) به اندازه ۱/۹ واژه افزایش نشان می‌دهد.

گروه سنی ب		نام کتاب	گروه سنی الف		نام کتاب
بررسی تعداد واژه در جمله‌های ساده			بررسی تعداد واژه در جمله‌های ساده		
میانگین تعداد واژه در جمله	تعداد واژه در بزرگ‌ترین جمله	نام کتاب	میانگین تعداد واژه در جمله	تعداد واژه در بزرگ‌ترین جمله	نام کتاب
۵/۳	۱۳	ماه مهربان	۳/۶	۱۱	بزغاله‌های ابری
۴/۴	۱۶	چه فکر خوبی!	۴/۰۳	۱۴	هم قصه، هم نقاشی
۴/۶	۱۳	مداد سیاه مغرور	۴	۱۰	من همانم من همانم
۴/۲	۱۲	شاعر و آفتاب	۳/۸	۱۶	نی نی چی می‌خواد؟
۴/۵	۱۶	آش سنگ	۴/۱	۱۷	سگی که قارقار می‌کرد
۳/۹	۱۳	ماه من ... ماه ما	۳/۲	۹	پله بازی
۵/۲۵	۱۳	تو نیکی می‌کن و ...	۳/۶۸	۲۰	فرمزی
۳/۷۲	۱۰	ماه بود و رویاه	۳/۶	۱۱	جوجه کوچولو! تی تاپ، تی تاپ، برو
۳/۲	۱۲	چه خوب! چه بد!			
۴/۳۲	۱۲	گربه ایران ما			
۳/۹	۱۱	این هم پول ماهی	۴/۴۴	۱۰	گوسفندی که می‌خواست بزرگ باشد، خیلی بزرگ
۴/۲	۱۵	آزاده			
۴/۷	۱۷	زیر نور ماه			
۴/۳۲	۱۳/۳۱	میانگین	۳/۸۲	۱۳/۱۱	میانگین
۰/۵۸	۲/۱	انحراف معیار	۰/۳۶	۳/۸۲	انحراف معیار

گروه سنّی د			گروه سنّی ج		
۵/۳۱	۲۱	وجدان	۷/۵	۱۴	دنیای رنگین کمان
			۵/۰۸	۱۳	صخره فیل!
۴/۵	۱۳	آی ابراهیم	۴/۲	۱۱	دخترک و ستاره
			۴/۳۳	۱۲	ماجرای بهلول
۴/۶۱	۱۲	پیرچنگی	۵/۸	۲۴	قصه فروشی
			۴/۳۴	۱۴	یک تکه خاک خوب خدا
۶/۰۵	۱۵	چشمه ماه	۵/۵	۱۲	در این شب ...
			۴/۴۴	۱۱	گردوی هفتم
۶/۳۲	۲۱	گنج و رنج	۴/۵	۱۳	زیباترین آواز
			۵/۲	۱۸	تنبیه کاری
۵/۳۶	۱۶/۴	میانگین	۵/۰۹	۱۴/۲	میانگین
۰/۸۲	۴/۳۴	انحراف معیار	۱۴/۲	میانگین	انحراف معیار
گروه سنّی ه					
۵/۶		۱۸		مرغابی و ماه	
۴/۵		۲۰		شش تن و یک فریاد	
۵/۹		۳۰		قاضی خائن	
۶/۹		۲۷		بوی جوی مولیان	
۵/۷۲		۲۳/۷۵		میانگین	
۰/۹۹		۵/۶۸		انحراف معیار	

جدول ۳: تعداد واژه در جمله‌های ساده هر گروه سنّی

۲-۲- بررسی میزان کاربرد جمله ساده و مرکب در گروه‌های سنی متفاوت

گیوی و همکاران با استناد به تعاریف زبان‌شناسانی چون مشکوة‌الدینی، جمله را به صورت‌های مختلفی تعریف کرده‌اند که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

«جمله عمده‌ترین واحد نحوی است. جمله در زبان فارسی بر دو نوع است: اسمی و فعلی و ممکن است یک کلمه باشد: بیا! در جمله ممکن است مطلبی یا پیامی بیان شود». (گیوی، ۱۳۸۹، ص ۳۰۱)

در زبان فارسی جملات مرکب به شکل همپایه و ناهمپایه نیز به کار برده می‌شود. گیوی و همکاران جمله مرکب را اینگونه از جمله ساده متمایز کرده‌اند: «جمله مرکب جمله‌ای است که در آن بیش از یک فعل وجود داشته باشد». (همان، ص ۳۱۴) افعالی که از مصدرهای گفتن، خواستن و توانستن ساخته شده‌اند معمولاً دارای مفعول‌هایی هستند که بعد از فعل پدیدار می‌شوند گیوی و همکاران (همانجا) در نقل قول مستقیم، بندی را که به عنوان فعل از «گفتن» استفاده کرده بند ساده در نظر گرفته‌اند و جمله‌ای که به عنوان مفعول نقل می‌شود و بعد از «گفت» می‌آید، بند ساده دیگری در نظر می‌گیرند و مصدرهایی نظیر خواستن و توانستن را شبه کمکی معرفی کرده‌اند که به پاره‌ای از فعل‌ها کمک معنایی و کاربردی می‌دهند.

از طرفی نقل قول غیر مستقیم نظیر «علی گفت که فردا نمی‌آید.» از دیدگاه زبان‌شناسانی چون مشکوة‌الدینی، مرکب ناهمپایه در نظر گرفته می‌شود. با فرض‌های ارائه شده در خصوص جملات ساده و مرکب پیکره‌های زبانی مورد بررسی واقع شده‌است.

جدول ۴ نشان می‌دهد با رشد کودک و افزایش قابلیت‌های زبانی، آثار ادبی تهیه شده متناسب با سن وی از نظر کاربرد جمله ساده و مرکب بهبود یافته است و نسبت جملات ساده به مرکب با افزایش سن رو به کاهش است.

ه	د	ج	ب	الف	گروه سنی
۰/۳۷	۰/۶۹	۰/۷۲	۰/۸۵	۱/۴۸	نسبت جملات ساده به مرکب

جدول ۴: مقایسه پنج گروه سنی از نظر نسبت جملات ساده به مرکب

از نظر نسبت جملات ناهمپایه به همپایه در جملات مرکب با نتایج زیر روبه‌رو

هستیم:

ه	د	ج	ب	الف	گروه سنی
۰/۳۷	۰/۶۹	۰/۷۲	۰/۸۵	۱/۴۸	نسبت جملات ساده به مرکب

جدول ۵: مقایسه پنج گروه سنی از نظر نسبت جملات ناهمپایه به همپایه

با توجه به جدول ۶، در ارتباط با بررسی موردی که به بعضی از آثار اشاره دارد، در گروه سنی (الف) تعداد جمله ساده نسبت به مرکب بیشتر است. تنها در دو کتاب از ۹ کتاب مورد بررسی، تعداد جملات مرکب از ساده پیشی گرفته است و این دو کتاب یکی «بزغاله های ابری» و دیگری «نی نی چی می خواد؟» (جدول ۶) است. در خصوص کتاب اول در جملات مرکب میزان جملات همپایه از ناهمپایه پیشی گرفته است و ناشی از این است که در این کتاب از جملات ساده و حرف ربط «و» برای پیوند آنها بسیار استفاده شده است و برای کودکان این گروه سنی مشکلی ایجاد نمی‌کند. اما در خصوص کتاب دوم، جملات ناهمپایه به نسبت بیشتر از سایر کتاب‌هاست که به نظر می‌رسد از این لحاظ کتاب مناسبی برای این سنین نباشد. در گروه سنی (ب) به جز دو مورد، «گرچه ایران ما» و «این هم پول ماهی» (جدول ۶)، جملات مرکب نسبت به ساده افزایش یافته است اما در جملات مرکب، به جز یک مورد با اختلاف یک واحد که ممکن است به علت خطای انسانی باشد همچنان تعداد جملات همپایه از ناهمپایه پیشی گرفته است. به نظر می‌رسد دو کتاب اشاره شده، به علت داشتن جملات ساده بیشتر، مناسب گروه سنی (الف) باشد تا (ب)، یا می‌توان

گروه سنی آن را به (الف) و (ب) باهم، تغییر داد. نتایج حاصل از این پیکره در مورد گروه سنی (ج) نشان می‌دهد که به جز کتاب‌های «دنیای رنگین کمان»، «قصه فروشی» و «در این شب ...» (جدول ۶) در این گروه سنی کاربرد جملات مرکب نسبت به ساده رو به افزایش بوده است و به جز مورد «در این شب ...»، «گردوی هفتم» و «زیباترین آواز» (جدول ۶) حتی کاربرد جملات مرکب ناهمپایه نسبت به همپایه افزایش داشته است. به نظر می‌رسد از این لحاظ مناسب باشد کتاب‌های «دنیای رنگین کمان»، «قصه فروشی»، «در این شب ...»، «گردوی هفتم» و «زیباترین آواز» (جدول ۶) را در گروه سنی (ب) دسته‌بندی کرد. اما در مجموع جملات مرکب نسبت به ساده برای این گروه سنی کاربردی‌تر است و در جملات مرکب بندهای همپایه و ناهمپایه تقریباً در یک سطح کاربرد هستند.

تحلیل داده‌های مربوطه در مورد گروه سنی (د) نشان می‌دهد در بین پنج نمونه کتاب، به جز دو نمونه جملات مرکب از ساده پیشی دارند. همچنین تعداد جملات مرکب از ساده بیشتر بوده و نشان دهنده این است که اینگونه جملات برای این گروه سنی نیز کاربردی‌تر است. بین جملات همپایه و ناهمپایه در اکثریت موارد جملات همپایه از نسبت کاربرد بیشتری برخوردار بوده است. نتایج برای گروه سنی (ه) نشان می‌دهد که میزان کاربرد جملات مرکب نسبت به ساده به طور چشمگیری رو به افزایش است. نسبت جملات ساده به مرکب برای این گروه سنی به زیر ۰/۵ رسیده و برابر است با ۳۷ / ۰ که نسبت به تمام گروه‌های سنی قبل از خود پایین‌تر است.

نام کتاب	تعداد و درصد		تعداد و درصد جمله مرکب	
	جمله ساده	همپایه	ناهمپایه	مجموع
گروه سنی الف				
بزغاله‌های ابری	۳۴ (۳۶/۱۷٪)	۴۰ (۴۲/۵۵٪)	۲۰ (۲۱/۲۸٪)	۶۰ (۶۳/۸۳٪)
من همانم من همانم	۳۶ (۵۱/۴۳٪)	۲۳ (۳۲/۸۶٪)	۱۱ (۱۵/۷۱٪)	۳۴ (۴۸/۵۷٪)
نی نی چی می‌خواد؟	۲۵ (۴۲/۳۷٪)	۱۴ (۲۳/۷۳٪)	۲۰ (۳۳/۹٪)	۳۴ (۵۷/۶۳٪)

(/۳۰/۹)۱۲۳	(/۱۱/۸۱)۴۷	(/۱۹/۰۹)۷۶	(/۶۹/۰۹)۲۷۵	پله بازی
.
(/۴۰/۵۲)۷۸۹	(/۱۵/۶۶)۳۰۵	(/۲۴/۸۶)۴۸۴	(/۵۹/۴۸)۱۱۵۸	مجموع
%۴۳/۴۳	%۱۶/۴۵	%۲۶/۹۸	%۵۶/۵۶	میانگین
۱۱/۸۷	۸/۵۴	۶/۹۳	۱۱/۸۶	انحراف معیار
گروه سنی ب				
(/۷۵/۵۶)۳۴	(/۳۷/۷۸)۱۷	(/۳۷/۷۸)۱۷	(/۲۴/۴۴)۱۱	ماه بود و روباه
(/۵۰/۲۴)۱۰۴	(/۲۱/۷۴)۴۵	(/۲۸/۵۰)۵۹	(/۴۹/۷۶)۱۰۳	چه خوب! چه بد!
(/۳۴)۸۵	(/۱۶/۴)۴۱	(/۱۷/۶)۴۴	(/۶۶)۱۶۵	گربه ایران ما
(/۴۰/۹۶)۳۴	(/۹/۶۴)۸	(/۳۱/۳۲)۲۶	(/۵۹/۰۴)۴۹	این هم پول ماهی
(/۵۴/۹)۲۸	(/۹/۸)۵	(/۴۵/۱)۲۳	(/۴۵/۱)۲۳	آزاده
.
(/۵۶/۵۵)	(/۲۳/۹۳)	(/۳۳/۵۳)	(/۴۲/۵۳)	مجموع
۱۳/۳۴	۹/۰۵	۷/۲	۱۲/۶۲	میانگین
(/۷۳/۴۵)۸۳	(/۳۵/۴)۴۰	(/۳۸/۰۵)۴۳	(/۲۶/۵۵)۳۰	انحراف معیار
گروه سنی ج				
(/۳۸/۸۹)۷	(/۲۲/۲۲)۴	(/۱۶/۶۷)۳	(/۶۱/۱۱)۱۱	دنیای رنگین کمان
(/۸۴/۰۸)۷۴	(/۴۳/۱۸)۳۸	(/۴۰/۹)۳۶	(/۱۵/۹)۱۴	صخره فیل!
(/۶۹/۵)۲۳۷	(/۳۵/۱۹)۱۲۰	(/۳۴/۳۱)۱۱۷	(/۳۰/۵)۱۰۴	ماجرای بهلول
(/۶۱/۳)۱۲۲	(/۳۵/۱۷)۷۰	(/۲۶/۱۳)۵۲	(/۲۱/۸۷)۷۷	یک تکه خاک خوب خدا
(/۴۹/۰۳)۵۱	(/۲۱/۱۵)۲۲	(/۲۷/۸۸)۲۹	(/۵۰/۹۶)۵۳	در این شب ...
(/۵۱/۰۶)۷۲	(/۱۷/۰۲)۲۴	(/۳۴/۰۴)۴۸	(/۴۸/۹۴)۶۹	گردوی هفتم
(/۶۳/۱)۴۶	(/۲۲)۱۶	(/۴۱/۱)۳۰	(/۳۷)۲۷	زیباترین آواز
.
(/۵۸/۲۳)۹۵۵	(/۲۹/۵۷)۴۸۵	(/۲۸/۶۶)۴۷۰	(/۴۱/۷۷)۶۸۵	مجموع
%۵۷/۶۷	%۲۸/۵	%۲۹/۱۵	%۴۰/۶۵	میانگین

انحراف معیار	۱۵/۰۸	۸/۳۶	۸/۷۱	۱۳/۶۲
گروه سنی د				
وجدان	(/۴۵/۵۵)۲۲۵	(/۲۷/۵۳)۱۳۶	(/۲۶/۹۲)۱۳۳	(/۵۴/۴۵)۲۶۹
.
مجموع	۵۸۲ (/۴۰/۸۱)	۴۰۱ (/۳۱/۳۵)	۳۵۶ (/۲۷/۸۳)	۷۵۷ (/۵۹/۱۸)
میانگین	%۴۲/۳۴	%۳۰/۸۲	%۲۶/۸۳	%۵۷/۶۶
انحراف معیار	۱۷/۹۲	۱۰/۳۵	۷/۸۶	۱۷/۹۲
گروه سنی ه				
مرغابی و ماه	(/۲۱/۲)۸۵	(/۴۱/۴)۱۶۶	(/۳۷/۴)۱۵۰	(/۷۸/۸)۳۱۶
.
مجموع	۵۰۳ (/۲۷/۲۶)	۶۶۵ (/۳۶/۰۴)	۶۷۷ (/۳۶/۷)	۱۳۴۲ (/۷۲/۷۳)
میانگین	%۲۵/۵۳	%۳۶/۶	%۳۷/۸۳	%۷۴/۴۳
انحراف معیار	۶/۹۷	۳/۷۲	۴/۵۳	۶/۹۷

جدول ۶: مقایسه جملات ساده و مرکب در هر گروه سنی

۲-۳- بررسی میزان حضور کنش‌گر و کنش‌پذیر در گروه‌های سنی متفاوت

پول (Pool Geoffrey, ۲۰۰۲) ساختار اقمار یک گزاره را وابسته به روابط معنایی می‌داند و معتقد است نقش‌های معنایی عامل (agent)، کنش‌پذیر (patient) نقش‌های فاعلی و نقش‌های تجربه‌گر (experiencer) و موضوعی (theme) نقش‌های مفعولی هستند و نقش‌های منبع (source)، هدف (goal) و مکان (location) را نقش‌هایی می‌داند که توسط حرف اضافه نسبت داده می‌شود.

در این قسمت از میان نقش‌های موضوعی معرفی شده تنها به بررسی وجود کنش‌گر و کنش‌پذیر پرداخته شده است. در بررسی این قسمت قبل از داده‌های به دست آمده ذکر چند نکته لازم است:

۱. زبان فارسی زبانی ضمیرانداز^۲ است و اول، دوم و یا سوم شخص بودن و یا حتی جمع و مفرد بودن کنش‌گر از روی شناسه فعل قابل تشخیص است. بنابراین در جملات فارسی کنش‌گر می‌تواند دارای نمود آوایی باشد یا نباشد. کنش‌پذیر نیز

می تواند دارای نمود آوایی باشد یا نباشد چون در فارسی جملات همپایه‌ای موجود است که در آنها ممکن است کنش‌پذیر به قرینه لفظی حذف شده باشد مانند: «علی کتابی خرید و خواند.»

۲. یکی از مواردی که کنش‌گر در جمله حضور ندارد جملاتی با ساختار مجهول است. همانطور که دبیرمقدم (۱۳۸۸) در مقاله مجهول خود اشاره می‌کند ساخت‌هایی که در رو ساخت دارای ترکیب «صفت + فعل کمکی شدن» هستند، مجهول‌های مبهم نامیده می‌شوند. این گونه جملات جملگی ابهامی معنایی بین مفهوم ناگذر و مجهول دارند. برای تشخیص این گونه جملات همانطور که دبیر مقدم نیز پیشنهاد می‌کند نگارنده از آزمون «خود به خود» استفاده کرده است. بدین ترتیب که اگر با اضافه کردن «خود به خود» در این جملات، جمله از لحاظ معنایی مشکل‌دار شد، آن جمله مجهول در نظر گرفته شده و در غیر این صورت ناگذر محسوب می‌شود. از طرفی جباری (۱۳۸۲) نقل کرده است که مجهول در فارسی زمانی پدیدار می‌شود که به هر دلیلی کنش‌گر حضور نداشته باشد که در این صورت ممکن است جمله ساخت مجهول نداشته باشد (نقل از منصوری، ۱۳۹۰) مانند: «مواظب باش کلاه سرت نگذارند». هم چنین وی اشاره به مجهول کردن افعال مرکبی کرده است که از ترکیب «صفت مفعولی + شدن» استفاده نکرده‌اند و از سازوکارهای دیگری مانند تغییر فعل بهره جسته‌اند. مانند افعالی چون «آتش زدن» که به «آتش گرفتن» تبدیل می‌شود یا «اختصاص دادن» به «اختصاص یافتن» و.....

۳. جملاتی مانند: «خودش را روی کاغذ کشید.» یا «خودش غذا را گرم کرد.» کنش‌گر و کنش‌پذیر هر دو همان ضمیر انعکاسی هستند.

۴. ضمایر در فارسی به دو صورت متصل و منفصل هستند. ضمایر متصل به اسم یا صفت می‌چسبند. در هر دوی این صورت‌ها یعنی حضور ضمیر متصل یا منفصل کنش‌گر با نمود آوایی در نظر گرفته شده است. مانند:

(۱) او به بالای تپه رفت. او = ضمیر منفصل

۲) کیفم را برداشتم. م=ضمیر متصل (معنای ژرف ساختی: من کیف خود را برداشتم).

۵. بعضی افعال که به افعال ذوجهین معروفند در دو شکل لازم و متعدی قابل کاربرد هستند مانند افعال ساخته شده از مصدرهای ریختن، شکستن. بنابراین در جایی ممکن است به وجود کنش‌پذیر احتیاج داشته باشند.

مثال: شیشه شکست. (لازم)

گربه شیشه را شکست. (متعدی)

با توجه به این مطالب به شمارش کنش‌گرها و کنش‌پذیرها در گروه‌های سنی متفاوت دست زده شده‌است.

برای جملات فارسی ممکن است چهار حالت رخ دهد:

۱) جملاتی که هم دارای کنش‌گر و هم کنش‌پذیر هستند.

الف) کنش‌گر با نمود آوایی مانند: مینا(کنش‌گر)، تلویزیون(کنش‌پذیر) را خاموش کرد.

ب) کنش‌گر بدون نمود آوایی مانند: مامان رویا خندید و (کنش‌گر) بشقاب عروسک‌ها را پر از غذا کرد.

۲) جملاتی دارای کنش‌گر و فاقد کنش‌پذیر

الف) کنش‌گر با نمود آوایی مانند: رضا خوابید.

ب) کنش‌گر بدون نمود آوایی مانند: سوگلی به قاشق‌ها نگاه کرد و (کنش‌گر) کمی فکر کرد.

۳) جملاتی فاقد کنش‌گر و فاقد کنش‌پذیر

این گونه جملات می‌توانند ۵ دسته باشند:

- جملات عاطفی مانند: چه خوب!
- جملات پرسشی در حد کلمه پرسشی مانند: چرا؟
- جملات اسنادی مانند: هوا سرد بود.

- جملاتی با فعل‌های غیرشخصی مانند: ممکن است.
- حذف کنش‌گر و کنش‌پذیر به قرینه لفظی در جملات همپایه مانند: سنجاب گردویی پیدا کرد و خورد.

۴) جملاتی دارای کنش‌پذیر و فاقد کنش‌گر (جملات مجهول)

این جملات ساخت مجهول ندارند اما در معنا مجهول هستند و با ساخت مجهول برابری می‌کنند.

مانند: مثل آورده‌اند، روایت کرده‌اند در روستایی، رختخوابش جمع شده بود. نتایج حاصل از مقایسه پنج گروه سنی از لحاظ میزان حضور کنش‌گر و کنش‌پذیر به شکل جدول ۷ خواهد بود:

جدول ۷: مقایسه میانگین انواع جملات در گروه‌های سنی

این جدول به نتایج زیر اشاره دارد:

• گروه سنی (الف) دارای بالاترین میانگین جملات دارای کنش‌گر با حفظ نمود آوایی و کنش‌پذیر است در صورتی که گروه (د) کمترین مقدار را نشان می‌دهد.

نوع جمله	گروه سنی					
	الف	ب	ج	د	ه	
دارای کنش‌گر و کنش‌پذیر	کنش‌گر با نمود آوایی	٪۲۴/۸۵	٪۲۲/۰۳	٪۱۷/۴۴	٪۱۱/۲۵	٪۱۳/۰۵
	کنش‌گر بدون نمود آوایی	٪۲۳/۵۲	٪۲۱/۵۶	٪۲۳/۲۵	٪۲۹/۶۵	٪۲۷/۵۵
دارای کنش‌گر و فاقد کنش‌پذیر	کنش‌گر با نمود آوایی	٪۱۹/۸۳	٪۱۸/۳۷	٪۲۱/۱۱	٪۲۱/۲۵	٪۱۸/۸۷
	کنش‌گر بدون نمود آوایی	٪۱۹/۲۴	٪۱۷/۴۸	٪۲۲/۷۲	٪۲۵/۰۲	٪۲۵/۹۵
فاقد کنش‌گر و کنش‌پذیر	جملات عاطفی	٪۱/۰۱	٪۰/۶۵	٪۱/۹۷	٪۰/۰۶	٪۰/۰۸
	پرسشی در حد کلمه	٪۱/۲۲	٪۰/۱۵	٪۰/۲۱	٪۰/۴۷	٪۰/۰۴
	اسنادی	٪۷/۱	٪۱۳/۶۹	٪۸/۰۱	٪۴/۲۶	٪۱/۶۷
	حذف به قرینه لفظی	٪۱/۵۶	٪۲/۳۷	٪۱/۱	٪۳/۷	٪۳/۰۹
فاقد کنش‌گر و دارای کنش‌پذیر	جملات با فعل‌های غیر شخصی	٪۰/۶۷	٪۱/۱۳	٪۱/۳۹	٪۰/۷۵	٪۱/۵۷
	مجهول	٪۱/۱۱	٪۲/۵۷	٪۳	٪۳/۵۹	٪۸/۱۳

(گروه (د) و (ه) در سطح تقریبی یکسانی هستند)

• گروه سنی (د) دارای بالاترین درصد میانگین کنش‌گر بدون نمود آوایی در جملات دارای کنش‌گر و کنش‌پذیر است. در جملات دارای کنش‌گر و فاقد کنش‌پذیر نیز این گروه سنی بالاترین درصد حفظ کنش‌گر را با نمود آوایی داراست.

• جملات پرسشی در حد کلمه در گروه سنی (الف) بیشتر از سایر گروه‌های سنی دیده شده‌است.

• حذف به قرینه لفظی، در گروه سنی (د) بیشتر دیده شده‌است.

• کاربرد فعل‌های غیرشخصی در گروه سنی (ه) بیشتر از سایر گروه‌های سنی است.

• گروه سنی (ج) بالاترین درصد میانگین جملات عاطفی را دارا می‌باشد و گروه

سنی (ب) بیشترین کاربرد جملات اسنادی را نشان می‌دهد.

• میانگین مجهول با افزایش گروه سنی افزایش می‌یابد.

می‌توان سلسله مراتب زیر را به عنوان خلاصه‌ای از موارد بالا مطرح کرد:

• کنش‌گر با نمود آوایی:	} جملات دارای کنش‌گر و کنش‌پذیر
گروه الف < گروه ب < گروه ج < گروه ه < گروه د	
• کنش‌گر بدون نمود آوایی:	
گروه د < گروه الف < گروه ج < گروه ب < گروه ه	

• کنش‌گر با نمود آوایی:	} جملات دارای کنش‌گر و فاقد کنش‌پذیر
گروه د < گروه ج < گروه الف < گروه ه < گروه ب	
• کنش‌گر بدون نمود آوایی:	
گروه ه < گروه د < گروه ج < گروه الف < گروه ب	

<p>• جملات عاطفی:</p> <p>گروه ج < گروه الف < گروه ب < گروه ه < گروه د</p> <p>• جملات پرسشی در حد کلمه:</p> <p>گروه الف < گروه د < گروه ج < گروه ب < گروه ه</p> <p>• اسنادی:</p> <p>گروه ب < گروه ج < گروه الف < گروه د < گروه ه</p> <p>• حذف به قرینه لفظی:</p> <p>گروه د < گروه ه < گروه ب < گروه الف < گروه ج</p> <p>• فعل‌های غیر شخصی:</p> <p>گروه ه < گروه ج < گروه ب < گروه د < گروه الف</p>	}	<p>جملات فاقد کنش گر و کنش پذیر</p>
<p>جملات مجهول:</p> <p>گروه ه < گروه د < گروه ج < گروه ب < گروه الف</p>	}	<p>جملات فاقد کنش گر و دارای کنش پذیر</p>

در پایان این قسمت لازم است به این نکته اشاره شود که در حین پژوهش نگارنده به این نتیجه رسید که در گروه سنی پایین‌تر کنش‌گر به صورت نامی مشخص، انسان یا حیوان یا شیء، و تکرار آن در جمله‌های بعدی کاربرد بیشتری دارد تا استفاده از ضمیر برای اشاره به کنش‌گری که در جمله‌های ماقبل به آن اشاره شده‌است.

۲-۴- میزان کاربرد افعال گذشته، حال و آینده در گروه‌های سنی متفاوت

برای هر فعل سه عنصر وجه، نمود و زمان تعریف می‌شود. رحیمیان (۱۳۸۹) نمود را به دو جنبه معنایی و صوری تقسیم کرده‌است که حالت معنایی آن نوع نگرش گوینده به رخداد را نشان می‌دهد و حالت صوری آن به شش دسته ساده، استمراری، جاری، نقلی، نقلی - استمراری و نقلی جاری تقسیم شده‌است. وی زمان فعل در زبان فارسی را به صورت گذشته و غیرگذشته تقسیم کرده‌است و زمان دستوری دیگری در

زبان فارسی به نام آینده شناخته شده است که ساختی ترکیبی است. لازم به ذکر است که در زبان فارسی مانند بیشتر زبان‌ها، زمان ماضی زمانی نشان‌دار است و برای ساخت آن باید به شکل زمان حال پسوندهایی مانند (ت، د، اد، اید) اضافه کرد. جدول ۸ نشان می‌دهد گروه‌های سنی متفاوت تنها در کاربرد زمان آینده نسبت به هم متفاوت هستند. به لحاظ میزان استفاده، همه گروه‌ها از ماضی بیش از مضارع و آینده استفاده کرده‌اند. این نحوه استفاده از زمان افعال، متناسب با رشد ذهنی کودک نیز هست.

آینده	مضارع	ماضی	
٪۰/۰۴	٪۲۸/۴۳	٪۷۱/۵۲	گروه الف
٪۰/۱	٪۲۴/۹۹	٪۷۴/۹	گروه ب
٪۰/۶۱	٪۴۰/۹۹	٪۵۸/۱۴	گروه ج
٪۰/۷	٪۲۵/۸۹	٪۷۳/۳۵	گروه د
٪۲/۴۲	٪۳۹/۶۹	٪۵۷/۸۹	گروه ه

جدول ۸: مقایسه زمان افعال بین گروه‌های سنی

نتایج به دست آمده از پیکره زبانی این گروه نشان می‌دهد که گروه سنی (الف) با ٪۷۱/۵۲ کاربرد افعال در زمان گذشته را بیشتر از سایر زمان‌ها ترجیح می‌دهد و بعد از آن زمان حال با ٪۲۸/۴۳ بیشترین کاربرد را داشته است. از بین انواع زمان گذشته، ماضی ساده با ٪۶۱/۱۷ بیشترین زمان افعال این گروه سنی را تشکیل می‌دهد و در بین انواع افعال مضارع، مضارع اخباری بیشترین نوع مضارع به کار رفته در آثار این گروه سنی است. پرکاربردترین افعال گروه سنی (ب)، زمان ماضی با ٪۷۴/۹ نسبت به سایر زمان‌هاست و بعد از آن مضارع با ٪۲۴/۹۹ در دومین رتبه قرار دارد. کاربرد افعال مضارع در این گروه نسبت به (الف) کاهش داشته است. در بین افعال ماضی، گذشته ساده همچنان در رتبه نخست و بعد از آن گذشته استمراری پرکاربردترین بوده است. در گروه سنی (ج) نیز زمان ماضی با ٪۵۸/۱۴ کاربرد زیاد اما میزان آن به نسبت

گروه‌های سنی پیش از خودش کاهش یافته‌است. زمان مضارع با ۴۰/۹۹٪ در دومین جایگاه، بعد از ماضی، در این گروه سنی قرار گرفته است اما برعکس نسبت به گروه‌های دیگر کاربرد زمان مضارع افزایش یافته‌است. در بین انواع ماضی، گذشته ساده و در بین انواع مضارع، مضارع اخباری پرکاربردترین در این گروه بوده‌اند. زمان آینده نسبت به گروه‌های (الف) و (ب) استفاده قابل توجهی را نشان می‌دهد. در گروه سنی (ج) مانند گروه‌های سنی دیگر همچنان زمان ماضی با ۷۳/۳۵٪ بیشترین کاربرد را دارد و بعد از آن زمان حال با ۲۵/۸۹٪ در دومین رتبه قرار دارد. کاربرد زمان آینده نسبت به گروه سنی قبل از خود تقریباً ثابت مانده‌است. در بین افعال ماضی، بعد از گذشته ساده، ماضی استمراری پرکاربردترین است و در بین افعال زمان حال مضارع التزامی در رتبه نخست قرار دارد. در این گروه سنی، مضارع التزامی پرکاربردترین نوع مضارع است. در گروه سنی (ه) نیز کاربرد ماضی با ۵۷/۸۹٪ در بالاترین میزان کاربرد و زمان حال با ۳۹/۶۹٪ در رده بعدی قرار دارد. در گروه سنی (ه) کاربرد زمان آینده افزایش قابل توجهی داشته است اما همچنان ماضی ساده (زمانی که بیشتر در روایت‌ها و تعریف داستان از آن استفاده می‌شود) پرکاربردترین زمان است. بعد از ماضی ساده، مضارع التزامی بیشترین کاربرد را دارد. مضارع التزامی در این گروه نیز حتی از سایر انواع ماضی، به جز ماضی ساده، پرکاربردتر بوده‌است. افعال ماضی در این گروه سنی نسبت به گروه‌های پیشین، کم کاربردتر بوده‌اند و برعکس میزان استفاده از زمان آینده بیشتر شده‌است.

بررسی آماری روی جدول ۸ نشان می‌دهد در سطح $P < 0.05$ تفاوت معناداری در خصوص مقایسه زمان افعال در گروه‌های سنی وجود ندارد. اما در خصوص مضارع التزامی که ساختی نشاندار است و از طرفی در این ساخت علاوه بر زمان، وجه التزامی اضافه شده‌است که خود وجهی نشان‌دار در زبان فارسی به حساب می‌آید. بنابراین می‌توان این ساخت را به عنوان یکی از ملاک‌های پیچیدگی به حساب آورد و بر این اساس انتظار می‌رود با افزایش گروه سنی میزان استفاده از این ساخت نیز اضافه شود

که از داده‌های جمع‌آوری شده این وضعیت نتیجه‌گیری نمی‌شود. به نظر می‌رسد لازم است در کتاب‌هایی که در این خصوص تدوین می‌شود به این مهم توجه کنند.

۳- نتیجه‌گیری

در این پژوهش مشخص شد که با تغییر گروه سنی و افزایش سن کودک، تعداد واژه‌های به‌کار گرفته شده در جملات ساده در ادبیات کودک و نوجوان نیز افزایش خواهد یافت.

بر اساس نقش‌های موضوعی کنش‌گر و کنش‌پذیر، برای جملات ممکن، چهار حالت در نظر گرفته شد:

جملاتی که دارای کنش‌گر و کنش‌پذیر هستند؛ این گونه جملات ممکن است به گونه‌ای باشند که کنش‌گر در آنها یا نمود آوایی خود را حفظ کرده باشد یا به علت قابلیت ضمیرانداز بودن زبان فارسی، دارای نمود آوایی نباشد.

جملاتی دارای کنش‌گر و فاقد کنش‌پذیر؛ این جملات نیز ممکن است به گونه‌ای باشند که کنش‌گر یا با حفظ نمود آوایی یا بدون آن در جمله ظاهر شود.

جملاتی فاقد کنش‌گر و فاقد کنش‌پذیر؛ این جملات به پنج دسته تقسیم شده‌اند: جملات عاطفی، جملات پرسشی در حد کلمه پرسشی، جملات اسنادی، جملاتی با فعل‌های غیر شخصی، جملاتی که در آنها حذف کنش‌گر و کنش‌پذیر به قرینه لفظی در جملات همپایه صورت گرفته‌است.

جملاتی دارای کنش‌پذیر و فاقد کنش‌گر یا جملات مجهول؛ با توجه به این حالت‌ها این نوع جملات در گروه‌های سنی بررسی و مقایسه شد. نتایج آماری نشان داد که بین پنج گروه سنی، بین جملاتی که دارای کنش‌گر با حفظ نمود آوایی و کنش‌پذیر هستند تفاوت معناداری وجود دارد و در ادبیات گروه‌های سنی پایین‌تر به نسبت سایر جملات، بیشتر از جملاتی استفاده شده‌است که کنش‌گر و کنش‌پذیر در جمله حضور دارند که کنش‌گر با نمود آوایی یا بدون آن در این گونه جملات ظاهر

می‌شود. از طرفی نشان داده‌شد در ارتباط با جملات دارای کنش‌گر و کنش‌پذیر، بدون حفظ نمود آوایی کنش‌گر، بین پنج گروه تفاوت معناداری وجود دارد. در جملات دارای کنش‌گر و فاقد کنش‌پذیر و حفظ نمود آوایی کنش‌گر، تفاوت معناداری بین پنج گروه دیده نشد اما در همین نوع جملات در صورتی که کنش‌گر بدون نمود آوایی به‌کار برده شود تفاوت کاربرد در بین گروه‌های سنی معنادار است و گروه‌های سنی بالاتر بیشتر از این نوع جملات استفاده کرده‌اند.

۵- یادداشت‌ها

- ۱- گروه سنی (الف) شامل کودکان مقطع آمادگی و سال اول دبستان، گروه سنی (ب) کودکان پایه دوم و سوم، گروه سنی (ج) کودکان کلاس‌های چهارم و پنجم دبستان، گروه سنی (د) دانش‌آموزان دوره راهنمایی، گروه سنی (ه) دانش‌آموزان دوره دبیرستان.
- ۲- اذتل و همکاران از مواردی چون شروع نادرست (جمله)، تکرارهای بی‌مورد و کلمات درهم و برهم با عنوان garble یاد کرده‌اند که شامل مکث‌هایی که در عبارتهای گفتاری توسط شنونده احساس می‌شوند، نیست.
- ۳- هر T-Unit شامل یک بند اصلی (بند پایه) و کلیه بندهای پیرو مرتبط با آن هستند. بنابراین هر T-Unit می‌تواند یک جمله ساده یا مرکب باشد.
- ۴- ضمیر انداز: اصطلاحی رایج در زبان‌شناسی است که بیانگر همان ضمیر فاعلی محذوف در فارسی است. مانند «آدم» به جای «من آدم».
- ۵- معنای تمام واژه‌ها در بخش باستان‌گرایی (افعال، اسم‌ها و صفات آرکائیک) از لغت‌نامه دهخدا استخراج شد.
- ۶- «در برهان قاطع کارگر به غلط ضبط شده و همچنین است در فرهنگ رشیدی؛ اما برهان در معنی کر و گر نوشته به معنی زور و قوت تاب و توان و مراد و مقصود هم آمده است. آقای دکتر معین در حاشیه نوشته‌اند: «کر» توان باشد، دقیقی گوید: خجسته مهرگان آمد، سوی شاه جهان آمد/ باید داد داد او به کام دل بهر چت کر» (سجادی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۰۷). «گر» در لغت‌نامه دهخدا نیز در معنای مقصود و مراد ذکر شد.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- ۱- احمدی گیوی، حسن و انوری، حسن (۱۳۸۹)، دستور زبان فارسی ۱، چاپ سوم، تهران، انتشارات فاطمی.
- ۲- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۸)، پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی مجموعه مقالات، چاپ دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳- رحیمیان، جلال (۱۳۸۹)، ساخت زبان فارسی، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.

ب) مقالات

- ۱- افراشی، آزیتا و نعیمی حشکوائی، فاطمه (۱۳۸۹)، «تحلیل متون داستانی کودک با رویکرد شعرشناسی شناختی»، مجله زبان‌شناختی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۲، ص ۲۵-۱.
- ۲- شریفی، شهلا و حامدی شیروان، زهرا (۱۳۸۹)، «بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی»، مجله تفکر و کودک، ش دوم، ص ۶۳-۳۹.
- ۳- منصوری، مهرزاد (۱۳۷۴)، «نقش قصه در تربیت کودک»، نشریه روانشناسی و علوم تربیتی تربیت، آبان ۷۴، شماره ۱۰۲، صص ۱۸ و ۱۹.

ج) منابع لاتین

- 1- C.O'Donnell Roy, J.Griffin William, C.Norris Raymond (1967). Syntax of Kindergarten and Elementary School Children: A Transformational Analysis. USA: national council of teachers of English
- 2- Craint, Stephen and Shankweilert, Donald."syntactic complexity and reading acquisition "
http://www.haskins.yale.edu/sr/sr086/SR086_11.pdf
- 3-Knowles, murray and Malmkjaer, Kirsten(1995). Language and Control in Children's Literature. United Kingdom

4- Pool, Geoffrey (2002). Syntactic Theory. Great Britain: PALGRAVE

5- VERTALIER, Martine (2009). « approche linguistique des textes de livres pour enfants : pour 36 objectifs et quelles pratiques au cours de l'acquisition du langage ? » Université PARIS 3 – Sorbonne Nouvelle

(د) سایر منابع

۱- احمدی پور، طاهره (۱۳۹۰)، «بررسی رده شناختی سازه‌ها در زبان فارسی».

<http://roshdmag.ir/weblog/adabiyatfarsi/articles/763.aspx>

۲- شیخ سنگ تجن، شهین (۱۳۹۱)، «الگوهای زبانی در شعرهای کودکان».

<http://www.persian-language.org/article-1970.html>